

چرا خداوند هدف از خلقت انسان را عبادت ذکر کرده است؟

هدف از خلقت انسان در نگاه قرآن و مفهوم حقیقی عبادت

خداوند در قرآن هدف از خلقت انسان را عبادت ذکر کرده و می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را نیافریدم، مگر برای عبودیت»^۱. با شنیدن این آیه اولین سؤالی که در ذهن نقش می‌بندد این است، که خداوند چه نیازی به عبودیت ما داشته و چرا هدف از خلقت انسان را عبودیت ذکر کرده است؟

آیا عبودیت همان عبادت است؟

پاسخ دادن به این سؤال دو وجه دارد. وجه اول مربوط به واژه نیاز است. به کار بردن واژه نیاز در ارتباط با خدا، ناشی از معرفت و شناخت ناقص ما نسبت به حضرت حق است. ما خدا را با خودمان مقایسه می‌کنیم و گمان می‌کنیم کارهای خدا هم مثل کارهای ما از روی نیاز انجام می‌شود؛ در حالی که خدا غنی و بی‌نیاز مطلق است و هیچ نیازی ندارد که دنبال برطرف کردنش باشد؛ به عبارت دیگر، وقتی در مورد هدف از خلقت انسان صحبت می‌شود، منظور هدفی است که قرار است انسان به آن برسد، نه خدا؛ خدا نیازی به عبادت شدن ندارد. این انسان است که برای رسیدن به هدف خلقت، به عابد شدن و عبد شدن در برابر خدا نیاز دارد.

وجه دیگر این سؤال به مفهوم عبادت و عبودیت برمی‌گردد. تصور اغلب ما از عبادت انجام یکسری اعمال مثل نماز، روزه، حج و ... است و عبادت و عبودیت را یک چیز میدانیم؛ در نتیجه برایمان عجیب است که مگر خم و راست شدن‌های ما در نماز، یا گرسنگی و تشنگی‌مان در هنگام روزه، چه فایده‌ای دارد که خدا

^۱ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» سوره ذاریات، آیه ۵۶

ما را به خاطر چنین اعمالی آفریده؟ آیا نماز، روزه، حج و سایر عبادات خودشان هدف هستند، یا راهی برای رسیدن به اهداف عالی‌ترند؟

اگر چنین سؤالاتی درباره هدف از خلقت انسان برای شما هم مطرح است، با ما همراه شوید تا پاسخ درستی برای آن‌ها بیابیم. در این درس ابتدا در مورد مفهوم حقیقی عبودیت صحبت می‌کنیم و سپس به ارتباط بین عبودیت و معرفت می‌پردازیم.

مفهوم حقیقی عبودیت چیست؟

گفتیم که قرآن هدف از خلقت انسان را عبودیت خدا ذکر کرده است، اما عبودیت به چه معناست و چه تفاوتی با عبادت و پرستش دارد؟ برای درک مفهوم حقیقی عبودیت باید به واژه «عبد» و مفهوم آن که ریشه اصلی عبودیت است، توجه نمود. «عبد» در لغت به کسی گفته می‌شود که تابع و مطیع محض مولای خود است؛ اراده‌اش تابع اراده مولاست و در اطاعت از او هیچ‌گونه سستی به خود راه نمی‌دهد؛ پس عبودیت در واقع همان بندگی است. عبودیت همان فرمانبرداری و اطاعتی است که ما در برابر مربیان خود در زمینه‌های مختلف علمی، هنری، ورزشی و ... داریم. ما از دستورات مربیانمان اطاعت می‌کنیم تا شبیه آن‌ها شویم و به همان کمالاتی که ایشان دارند و موردنظر و محبوب ماست، دست پیدا کنیم. بدون عبودیت در برابر مربی، هیچ شاگردی به هیچ کمالی نمی‌رسد. این قاعده در مورد همه کمالات از جمله کمالات فوق‌عقلانی و انسانی برقرار است.

مربی و رب ما در بعد انسانی خود خداست. ما به علت برخوردارگی از روح خدا، عاشق خدائیم و اندیشه خدایی شدن داریم و با توجه به نکاتی که گفتیم، رسیدن به این مقام فقط از طریق عبودیت در برابر خدا امکان‌پذیر است؛ در واقع هدف از خلقت انسان، عبادت به معنای رایج و عوامانه آن یعنی نماز و روزه و امثال این‌ها نیست؛ بلکه هدف عبودیت است. کسی که عبد خدا باشد و از دستورات الهی در تمام زمینه‌ها

اطاعت کند، به مرور سعه وجودی پیدا کرده و به مظهر اسماء و صفات الهی تبدیل می‌شود؛ اگر دستوری هم به انجام عباداتی مثل نماز و روزه و امثال این‌ها داده شده، با این هدف است؛ وگرنه صرف خم و راست شدن و تحمل گرسنگی و تشنگی بهره‌چندانی برای آدمی ندارد.

در حدیث آمده: «عبودیت گوهری است که باطن آن ربوبیت است.»^۲ ظاهرش این است که ما مطیع و محدود می‌شویم؛ اما آنچه در حقیقت اتفاق می‌افتد، رشد ما و رسیدن به کمالات الهی و انسانی است. از این جهت می‌توان گفت پیام دین، پیام آزادی است. دین نیامده که ما را محدود کند؛ دین آمده تا ما را آزاد کند و به مقامی که لیاقتش را داریم، برساند، اما این آزادی با بندگی خدا و رهایی از غل و زنجیرهای بخش حیوانی اتفاق می‌افتد. هر کدام از دستورات دین بخشی از غل و زنجیرها را از پای روح باز می‌کنند و هرکس این دستورات را کامل‌تر رعایت کند، آزادتر می‌شود.

مقام عبد، مقام بسیار بزرگی است. ما هر چقدر که در عبودیت خدا موفق‌تر باشیم، قدرتمندتر می‌شویم و بهره‌بیشتری از اسماء و صفات الهی خواهیم داشت. آن هزار اسمی که در دعای جوشن کبیر آمده، فقط اسم‌های خدا نیست، اسم‌های ما هم هست، اما به‌صورت بالقوه؛ به فعلیت رسیدن و شکوفا شدن آن‌ها بستگی به میزان مجاهدت و تلاش ما در عبودیت خدا دارد.

عبادت هدف متوسط

در کنار همه مطالبی که در مورد اهمیت عبودیت و عبادت گفتیم، یک نکته بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد که غفلت از آن، عبادات ما را بی‌اثر و حتی مخرب می‌کند. این نکته مهم کسب «معرفت» است. اینکه آثار شگفت‌انگیز عبادت در بسیاری از ما تحقق پیدا نمی‌کند، به این دلیل است که این عبادات مبتنی بر معرفت نیستند و صرفاً یکسری اعمال کورکورانه و بی‌هدف هستند. معرفت با علم تفاوت دارد. علم یک توانایی

^۲ امام صادق (علیه‌السلام): «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ؛ بندگی حقیقی جوهره‌ای است که اساس و ذات آن ربوبیت است» مصباح‌الشریعه، ص ۷

ذهنی است، اما معرفت یک توانایی عملی است. علم دانایی و معرفت، دارایی است. علم لزوماً قدرت نمی‌آورد؛ آنچه در ما قدرت ایجاد می‌کند، کسب معرفت است.

کسب معرفت، عبادت را نتیجه‌بخش میکند؛ از این رو در آیات دیگری از قرآن هدف از خلقت انسان رسیدن به معرفت و یقین معرفی شده و می‌فرماید: «پروردگارت را عبادت کن، تا به یقین برسی.»^۳ یعنی عبادت وسیله‌ای برای کسب یقین است؛ یا به عبارتی، عبادت هدف متوسط و هدف نهایی رسیدن به معرفت و یقین است. ما قرار است با نردبان عبادت به معرفت خدا برسیم و اگر عبادات ما در این راستا نباشند، نتیجه‌ای جز خستگی جسمانی ندارند؛ در نتیجه ممکن است کسی شصت سال نماز بخواند، اما یک رکعتش هم قبول نشود؛ چون خدایی را عبادت کرده که هیچ شناختی از او نداشته و طبیعتاً تصمیمی هم برای تقرب و شبیه شدن به او نداشته است.

با توجه به این نکات بیشترین تلاش ما در زندگی باید متمرکز بر کسب معرفت باشد. مهم‌ترین معرفت نیز معرفت نفس یا خودشناسی است؛ همان دانشی که از ابتدای مقالات مدرسه انسان‌شناسی تا اینجا بارها و بارها درباره ابعاد مختلف آن باهم صحبت کرده ایم.

در این مقاله درباره هدف از خلقت انسان صحبت کردیم و گفتیم که برخلاف تصور رایج، مفهوم «لِيَعْبُدُونِ» در آیه ۵۶ سوره ذاریات به معنی عبادت نیست؛ بلکه به معنای عبودیت است. عبودیت یعنی سرسپردگی و اطاعت‌پذیری در برابر دستورات خداوند. عبودیت با ربوبیت قرین است. به این معنا که هم عبودیت ما در ساه ربوبیت خدا اتفاق می‌افتد و هم نتیجه عبودیت ما رسیدن به ربوبیت و شبیه شدن به خداوند است. عبودیت در برابر خدا کم‌کم ما را به او شبیه می‌کند و به همان مقامی که لایقش هستیم و برایش آفریده شده‌ایم، یعنی مقام خلیفه‌اللهی می‌رساند.